

نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی

سال نهم، شماره اول، شماره ترتیبی ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۶/۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۲

صص ۷۷-۹۸

## توالی‌های تبادل اطلاعات در مکالمات افراد ناآشنا (با تکیه بر تحلیل مکالمه مشارکین گُردزبان)

\* محرم رضایتی کیشه خاله

\*\* فاتح احمد پناه

### چکیده

این مقاله با استفاده از مدل و چارچوب تحلیل مکالمه اسونویگ (۱۹۹۹) به بررسی عمده‌ترین توالی‌های زبانی در مکالمات مشارکین ناآشنا می‌پردازد. در این راستا، مکالمه‌های شش مشارک ناآشنای گُردزبان تجزیه و تحلیل شده‌اند. مشارکین مذکور، اعضای تازه وارد یک گروه کوهنوردی در شهرستان بانه هستند که قصد داشته‌اند در هنگام مکالمه، اطلاعات شخصی یا اجتماعی مخاطب خود را استخراج کنند و یا اطلاعاتی در اختیار او قرار دهند. یافته‌های این تحقیق حاکی از وجود دست کم دو نوع توالی قابل تمایز در مکالمات افراد ناآشنا است: توالی مستقیم و توالی غیر مستقیم. توالی‌های مستقیم از سه نوبت اصلی تشکیل شده‌اند: درخواست فرد آغازکننده توالی با استفاده از پرسش مستقیم؛ پاسخ مخاطب به این پرسش و واکنش فرد آغازکننده توالی به این پاسخ. توالی‌های غیر مستقیم، از نوبت‌هایی فرعی تشکیل شده‌اند که شکافی موقت در مسیر موضوع مکالمه ایجاد کرده‌اند. این نوبت‌های فرعی -موسوم به توالی‌های جانبی- توسط مشارکین مکالمه و به منظور ارزیابی، اصلاح یا نمایش اطلاعات پیش‌زمینه‌ای مرتبط با موضوع جاری، وارد فرایند مکالمه شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** مکالمه، مشارکین ناآشنا، توالی‌های مستقیم، توالی‌های غیرمستقیم، کردی سورانی

## ۱. مقدمه

مشارکین ناآشنایی که در نخستین مکالمات درگیر می‌شوند، زمان زیادی را صرف تبادل اطلاعات شخصی می‌کنند. ایجاد یک جریان مشترک اطلاعات به دو دلیل برای افراد شرکت‌کننده در مکالمه حائز اهمیت است: اولاً به ایجاد اطمینان میان مشارکین کمک می‌کند، ثانیاً قرینه‌هایی در اختیار هر دو قرار می‌دهد تا بدانند در طول مکالمه از چه موضوعاتی سخن بگویند و درمورد چه موضوعاتی سکوت کنند. به عبارت دیگر، افراد درگیر در مکالمه به اطلاعاتی نیاز دارند تا پیش‌فرض‌های خود درمورد مخاطب را به بوته آزمایش بگذارند و براساس آن تصمیم بگیرند که کدام موضوع می‌تواند منجر به همکاری مکالمه‌ای گردد و طرح چه موضوعی در تعامل ایجاد اختلال می‌کند. تبادل اطلاعات میان مشارکین ناآشنا، در اکثر موارد به روش مستقیم انجام می‌گیرد؛ مثلاً از طریق جمله پرسشی «اهل کجایی؟» یا «چه کاره‌ای؟». همچنین، این تبادل، ممکن است به روش غیرمستقیم - مثلاً با تعلیق موضوع اصلی مکالمه و طرح یک موضوع فرعی - صورت گیرد. مقاله حاضر به کمک روش تجزیه و تحلیل مکالمه، به بررسی این اشکال مختلف تبادل اطلاعات در مکالمات مشارکین ناآشنا کرد زبان می‌پردازد. در بخش نخست مقاله، با طرح رئوس کلی ویژگی‌های توالی مستقیم تبادل اطلاعات، مکالمه‌ها براساس مدل اسونویگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) مورد تحلیل قرار می‌گیرند و در بخش دوم مقاله نقش کارکرد توالی‌های فرعی در برقراری رابطه آشنایی تبیین خواهد شد. این تحقیق، به فهم و توصیف رفتارهای زبانی کشگران اجتماعی در ملاقات‌های نخستین کمک می‌کند و نیز می‌تواند مقدمه‌ای بر تفسیر و تحلیل اشکال مختلف مدیریت ارتباط در میان افراد ناآشنا باشد.

## ۲. پیشینه تحقیق

پیشینه این پژوهش، به مطالعات منسجمی بازمی‌گردد که توسط برخی از روان‌شناسان زبان و جامعه‌شناسان زبان علاقه‌مند به تحلیل رفتارهای مکالمه‌ای افراد ناآشنا انجام گرفته‌است. در روان‌شناسی زبان، تمرکز اصلی چنین مطالعاتی بر مقوله «خودافشایی»<sup>۲</sup> قرارداد (درلیگا و دیگران، ۲۰۰۸). خودافشایی فرایندی تعاملی است که طی آن، فرد در حین مکالمه، درباره‌ی علایق و تمایلات شخصی، احساسات، اهداف، ترس‌ها و... در زندگی شخصی‌اش صحبت می‌کند (اگنیشزوکوکونن، ۲۰۰۷). روان‌شناسان زبان، چنین رفتاری را نشانه‌ی نیاز فرد به ایجاد اطمینان در مخاطب می‌دانند. بر این اساس، افراد ناآشنا در رفتارهای بازجویانه و خودافشاگرانه درگیر می‌شوند تا از این طریق، پیش‌فرض‌هایشان درباره‌ی یکدیگر را بسنجند و در نتیجه، زمینه‌ی تعامل را فراهم سازند. کلرمان و لیم<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) خودافشایی را در چارچوب سناریوها و مدل‌های آماده‌ی ذهنی - موسوم به بسته‌های سازمان‌دهنده حافظه<sup>۴</sup> - بررسی کرده‌اند. این دو، مجموعه‌ای از سناریوها و ساختارهای خودکار را معرفی می‌کنند که افراد غریبه، در هنگام مکالمه، به کمک آنها واکنش مناسبی به گفته‌های طرف مقابل نشان می‌دهند. نوع ابتدائی مکالماتی که برپایه‌ی چنین سناریوهایی شکل گرفته‌اند، در انگاره‌های تعاملاتی از پیش شکل گرفته‌ای نظیر پرسش و پاسخ درباره‌ی دلیل حضور مخاطب یا تبادل نظر راجع به وضعیت آب و هوا نمود می‌یابد و نوع پیشرفته‌ی آن، در کنش‌های تعاملی مرتبط با موضوعات شخصی‌تری نظیر پرسش از محل زندگی و شغل

<sup>۱</sup> J. Svennevig

<sup>۲</sup> Self-Disclosure

<sup>۳</sup> K. Kellermann & T. Lim

<sup>۴</sup> Memory Organization Packets

مخاطب مشاهده می‌شود. ماینرد و زیمرمن<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) نحوهٔ ارائهٔ موضوع در مکالمات میان مشارکین آشنا و ناآشنا را مقایسه کرده‌اند. آنها نشان داده‌اند که افراد آشنا و غریبه رویکردهایی متفاوت در جریان تبادل اطلاعات دارند. بر این اساس، افراد آشنا موضوعات خود را بدون نیاز به پرسش و پاسخ‌های مقدماتی و تنها از طریق انتقال خبر در جریان تعامل مطرح می‌کنند. در جریان این تبادل، مشارکین آشنا، از پیش‌زمینه و دانش مشترک برای رسیدن به اطلاعات نو بهره می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، آنها اطلاعات جدید را دربارهٔ موضوعاتی که هر دو طرف نسبت به آن دانش کافی دارند، رد و بدل می‌کنند (ماینرد و زیمرمن: ۳۰۳). در مقابل، افراد ناآشنا برای دریافت و استخراج اطلاعات، اشکال خاصی از کنش‌های زبانی را در قالب زنجیره‌ای از جفت‌های پرسش-پاسخ به کار می‌گیرند. ماینرد و زیمرمن (۳۰۶) این کنش‌های زبانی را «توالی‌های پیش‌موضوعی»<sup>۲</sup> می‌نامند. نخستین مرحله از این توالی، «مقوله‌بندی»<sup>۳</sup> نام دارد که طی آن فرد سخنگو مخاطب را ترغیب می‌کند تا خود را بر مبنای وابستگی به یک گروه اجتماعی معرفی کند و به عبارتی، جایگاه خود را در اجتماع به دیگری بشناساند. مثلاً در پرسش «آیا در این دانشگاه درس می‌خوانی؟» فرد سؤال‌کننده از مخاطب می‌خواهد تا خود را نسبت با یک مقوله (عضویت در دانشگاه) معرفی نماید و جایگاه خود را در یک جامعه خاص نشان دهد. دومین مرحله شامل پرسش‌هایی است مرتبط با کنش‌های اجتماعی که فرد پاسخ‌دهنده خود را عضوی از آن معرفی کرده است. این پرسش‌ها، پرسش‌های «مقوله-کنش» نام دارند. به عنوان مثال، پرسش «کلاً چند واحد داری؟» که در ادامه پرسش بالا مطرح شده‌است، فرد جای داده شده در مقوله فوق (عضویت در دانشگاه) را براساس کنشگری وی در این اجتماع می‌سنجد.

جامعه‌شناسان زبان نیز به نوبهٔ خود ابعاد گوناگون مکالمات روزمره را بررسی و مطالعه کرده‌اند. به عنوان نمونه شنایدر<sup>۴</sup> به بررسی نحوهٔ انتظام موضوع مکالمه در ملاقات‌های نخستین افراد غریبه پرداخته‌است. او توضیح می‌دهد که افراد غریبه به طور معمول مکالمه را با صحبت کردن در مورد موقعیت و لحظه‌ای که در آن قرار دارند، آغاز می‌کنند. این گفتار را می‌توان خنثی‌ترین و بی‌طرف‌ترین کنش زبانی تلقی کرد. این گونه از کنش‌های زبانی، در جریان انتقال به موضوع‌های اصلی یا دامنهٔ گفتار خنثی را به سوی موضوع‌های مرتبط با محیط فرهنگی-اجتماعی هدایت می‌کنند و یا آن را به خود مشارکین معطوف می‌کنند و به موضوعات شخصی‌تر نزدیک می‌شوند (شنایدر، ۱۹۹۸: ۸۶). فرایندهای زبانی مذکور، شدیداً تحت تأثیر عوامل بافتی معینی همانند درجهٔ صمیمیت افراد قرار دارند. بر این اساس، موقعیت‌هایی نظیر میهمانی‌های دوستانه از موقعیت‌هایی مانند صف اتوبوس، که افراد ناآشنا بنا بر ضرورت در آن جا گرد آمده‌اند، متمایزند. در موقعیت اول، افراد درگیر در مکالمه بیشتر به موضوع‌های شخصی می‌پردازند، در حالی که در موقعیت دوم، افراد با تکیه بر موضوع‌های خنثی رابطه را آغاز می‌کنند و یا به مسائل غیرشخصی‌تری نظیر سیاست روز یا وضعیت اقتصادی می‌پردازند (شنایدر، ۱۹۹۸: ۲۸۵). استوکو<sup>۵</sup> (۲۰۱۰)، به بررسی کاربرد زبان در مکالمات افراد شرکت‌کننده در قرارهای اینترنتی پرداخته‌است. در این ملاقات‌ها تبادل اطلاعات به دو شیوه آغاز شده‌است: اول از طریق پرسش‌های مستقیم راجع به روابط قبلی طرف مقابل و دوم به شکل غیرمستقیم و در خلال مکالمه راجع به موضوعی فرعی. در این ملاقات‌ها، نحوهٔ

<sup>۱</sup> D. Maynard & D. Zimmerman

<sup>۲</sup> pretopical Sequences

<sup>۳</sup> categorization

<sup>۴</sup> K.P Schneider

<sup>۵</sup> E.Stokoe

بیان موضوع، همانند نحوه شروع آن، از حساسیت بالایی برخوردار بوده و به این دلیل، در بیشتر موارد نشانه‌های تعلیل و درنگ در بیان مشارکین مشاهده می‌شد (استوکو: ۲۷۹). کوروبوف<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) نیز در تحقیقش برخی تمهیدات زبانی را که زوج‌های ناآشنا هنگام اشاره به جفت آرمانی خود به کار می‌بندند، بررسی کرده‌است. او نشان می‌دهد که موضوع سخن گفتن از شریک مطلوب در این مکالمات به قدری حساس بوده که مشارکین برای بیان آن از صورت‌های زبانی تخفیف‌دهنده و تقلیل‌دهنده درجه اطمینان (مانند: شاید، احتمالاً، تا حدودی و...) استفاده کرده‌اند. اسونویگ (۱۹۹۹) برای تبیین و توصیف توالی تبادل اطلاعات، از چارچوب نظری ماینرد و زیمرمن استفاده کرده‌است (اسونویگ: ۳۰۱-۳۱۶). علاوه بر مواردی که ماینرد و زیمرمن به آنها اشاره کرده‌اند، تحقیق اسونویگ شامل تحلیل روش‌های طرح موضوع در مکالمات میان افراد ناآشنا هم می‌شود. او نشان می‌دهد اکثر موضوعاتی که در مکالمه ارائه می‌شوند، موضوعاتی وابسته به موقعیت مکالمه و یا موضوعات شخصی معطوف به مخاطب هستند. در عوض، موضوعات فراگیر (یعنی موضوعاتی درباره جهان خارج از موقعیت مکالمه) و موضوعات شخصی خود-محور به خاطر محدودیت موقعیتی، کمتر در مکالمات آشنایی مطرح می‌شوند. مضاف بر این، اسونویگ، به روش غیرمستقیم تبادل اطلاعات در بین مشارکین غریبه پرداخته‌است. در این روش، انحراف از موضوع اصلی به کمک نوبت‌هایی فرعی (توالی‌های جانبی) انجام گرفته‌است. اسونویگ به این نتیجه رسیده که مشارکینی که تمایل بیشتری برای برقراری رابطه طولانی مدت داشته‌اند، از توالی‌های جانبی برای تبادل اطلاعات استفاده کرده‌اند.

پژوهشگرانی که به تحلیل مکالمات فارسی، و زبان‌ها و گویش‌های ایرانی اهتمام ورزیده‌اند، بر فرایند پیشبرد مکالمه در بین افراد ناآشنا تمرکز چندانی نداشته‌اند. از این منظر، یا اساساً به تحلیل توالی‌های مکالمه‌ای در بین افراد ناآشنا توجه نکرده‌اند، یا اگر هم به این مسأله پرداخته باشند، تأثیر یک تک‌نوبت در جریان مکالمه را بررسی کرده‌اند. به عنوان مثال، شریفی و همکاران (۱۳۹۱) تنها متوجه کارکرد پاسخ‌های کوتاه بوده‌اند. در این راستا، این پژوهشگران با تأکید بر نقش و اهمیت پاره‌گفتارهای کوتاهی مانند hmm در مکالمات رودررو و تلفنی، به جایگاه این پاسخ‌ها در بسط تعامل تأکید کرده‌اند. سلمانیان و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق کمیّت‌محور خود، به تحلیل گفتمان مؤسسه‌ای میان مشارکین ناآشنا (پزشکان و بیماران) پرداخته‌اند. با وجود این، نکته‌ای که در تحلیل آنها اهمیت داشته، رابطه جنسیت و جایگاه مشارکین با ظهور یک نوبت خاص - یعنی خودمحوری - در مکالمه بوده‌است، نه نظام مکالمه به مثابه یک فرایند. موسوی و عموزاده (۱۳۹۳) با استفاده از یک الگوی نشانه‌شناختی فرهنگی، مکالمات گویشوران لک و لر را بررسی کرده‌اند. با این که آنها نقش دانش بافتی مشارکین در روند مکالمه را برجسته کرده و آن را عامل اصلی به جریان افتادن توالی در موقعیت‌های خاص می‌دانند، مشارکین تحقیق آنها افرادی آشنایند که برای پیشبرد تعامل، از توالی‌هایی متفاوت با آنچه در مکالمات افراد ناآشنا به کار می‌رود، بهره می‌گیرند.

### ۳. داده‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش براساس مکالمات ضبط‌شده افرادی تنظیم شده‌است که برای نخستین بار با یکدیگر ملاقات کرده‌اند. تمامی مشارکین این مکالمات اعضای تازه‌وارد یک گروه کوهنوردی در شهرستان بانه‌اند. چهار نفر از مشارکین، از اهالی شهرستان بانه، یک نفر از اهالی شهرستان سقز و یک نفر از اهالی شهرستان سردشت هستند که با

<sup>۱</sup> N.Korobov

وجود تفاوت لهجه، همگی به زبان کردی سورانی تکلم می‌کنند. پس از آن که جلب رضایت مشارکین، یک میکروفون سنجاقی و یک دستگاه ضبط صوت به آنها داده شد تا بدون حضور نگارنده و در شرایطی نسبتاً طبیعی با یکدیگر رابطه برقرار کنند. پیکره زبانی این تحقیق، در بردارنده چند مکالمه تصفیه شده است که از نزدیک به هفت ساعت مکالمات ضبط شده اعضای گروه استخراج شده‌اند. لازم به ذکر است، از میان داده‌های ضبط شده، تنها قطعه‌هایی را در این مقاله آورده‌ایم که به موضوع این پژوهش مرتبط می‌شوند. این مکالمه‌ها براساس روش ثبت مکالمه اسونویگ (۱۹۹۹: ۱۰۰) به نگارش درآمده‌اند.

#### ۴. نگاه اجمالی به مدل اسونویگ

براساس مدل اسونویگ (۱۹۹۹: ۱۰۰) نوبت‌های اصلی یک توالی مستقیم تبادل اطلاعات و نیز اجزای احتمالی این نوبت‌ها را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

##### ۱- پرسش فرد آغازکننده نوبت به هدف ارائه و استخراج اطلاعات؛

الف- پرسش در زمینه عضویت مخاطب در جامعه

ب- پرسش در زمینه اطلاعات زندگی‌نامه‌ای مخاطب

##### ۲- پاسخ خودافشاگرانه مخاطب؛

الف- خودافشایی در نوبت‌های کوتاه

ب- خودافشایی در نوبت‌های بلند

##### ۳- بسط تبادل اطلاعات به کمک ابزارهای ذیل؛

الف- نشانگرهای تصدیق و تأیید

ب- نشانه‌های ترغیب‌کننده سخنگو بر ادامه کلام

ب-۱- عنصر برجسته‌کننده موضوع

ب-۲- پرسش پژوهشی

##### ۴- توضیح خودگرا (توضیح فرد آغازکننده توالی).

برای آشنایی با اجزای کلیدی این مدل (پرسش فرد آغازکننده نوبت؛ پاسخ مخاطب و واکنش فرد آغازکننده به این نوبت)، مقاله را با تحلیل قطعه‌ای کوچک آغاز می‌کنیم. این قطعه، درست پس از پایان مکالمه گروه درباره مقاله‌نویسی برای مجلات خارجی ثبت شده است. پس از یک سکوت نسبتاً طولانی، توالی پرسش-پاسخ با پرسش مشارک «الف» درباره زادگاه مشارک «ب» آغاز می‌شود. موضوع این توالی، با بحث درباره لهجه مشارک «الف» ادامه می‌یابد. مکالمه درباره زادگاه مخاطب به دریافت اطلاعاتی پیش‌زمینه‌ای منجر می‌شود و به فرد پرسشگر اجازه می‌دهد تا در ازای این اطلاعات، خود نیز اطلاعاتی جزئی درباره زندگی خود ارائه دهد:

#### مکالمه ۱:

- 1 A-hi,ʃte lawa naxoʃtər nija ka karakat ba xorai be ba hitʃ [u]
- 2 B-[wajə]
- 3 A-aw maqala ka aw hamwa pewa buj ba karət najt

- 4 B-balām har wɑf bɑfɑ...am tozɑf mɑn le nɑstɛnən...
- 5 A-wɑsɑ...[wəllɑ]
- 6 B-[wɑsɑ?] ɖɑnɑbtɑn xɑlki ɛrɑ nin?
- 7 A-nɑ mən lɑ dɑjkɑwɑ [sənɑim]
- 8 B-[ɑrə] dɪjɑr bu...lɑ bəjɑniwɑ ɑmkut ɑxɑ bɑnɑin...[jɑn?]
- 9 A-[mmm] ɑrə...tozɛk lɑhɖəm hɑjɑ
- 10 B-hɑ...ɑm zəmɑnɑt ləwəwɑ gɛrtwɑ
- 11 A-zorɪf qɑliz [nɪjɑ]
- 12 B-[hmmm] bɑlə dərɑstɑ [fərə]
- 13 A-[@@] fərə [ʔ]
- 14 B- [@@@]
- 15 A-lɑ duwɑj tʃɑnd sɑl tɑzɑ gɑrɑkɑ bəromɑwɑ...tozɛk ɑstresɛm [hɑjɑ]...  
[@@@] ɑtərsəm tuʃi ʃɑr bəm...[kɑmɛk]
- 16 B- [kɑkɑ] wɑf nɪjɑ
- 17 A-nɑ tozɛk tɔndu tɪzən
- 18 B-ɑrə...sɑrbɑzi ləwɛ bʊm

### ترجمه مکالمه ۱:

- الف- هیچی بدتر از این نیست که کاری که انجام دادی به هیچ جا نرسه [ ]  
ب- [همین طوره]
- الف- واون مقاله که اون همه زحمت واسش کشیدی به دردت نخوره  
ب- ولی همینم خوبه... این آب باریکه رو هم از مون نگیرن  
الف- (لهجه سنندجی) همین طوره ... [وآلا]
- ب- [(لهجه سنندجی) همین طوره؟ @] شما اهل این جا نیستین؟  
الف- نه... من از طرف مادرم [سنندجیم]
- ب- [آره] معلوم بود، از صبح با خودم می گفتم که بانه ای هستین... [یا؟]  
الف- [اممم] آره... یه خورده لهجه دارم  
ب- آها... این لهجه رو از اون جا گرفتی  
الف- (لهجه مَکریانی) زیاد هم غلیظ [نیست]  
ب- [هممم] بله درسته [(لهجه سنندجی) زیاد]  
الف- [@@] (لهجه سنندجی) آره زیاد @  
ب- [@@@]

الف- می‌دونی بعد از چندسال تازه میخام (اردلانی سندنجی) برگردم... یکم استرس دارم... می‌ترسم شر واسم دُرُس شه... [یه کم]  
 ب- [رفیق] این جوریم نیست  
 الف- نه، یک کم تندخو هستن  
 ب- آره... سربازی اون جا بودم.

پس از آن که مشارک «ب» در نوبت شماره ۶ متوجه گویش آمیختگی<sup>۱</sup> در گفتار مخاطب می‌شود (استفاده از *wasā* به جای *wayā*)، با گذار از موضوع قبلی، موضوع جدیدی را با تمرکز بر پیشینه جغرافیایی و لهجه مشارک «الف» آغاز می‌کند. پرسش «ب» درباره زادگاه «الف» صراحتاً اطلاعات شخصی مخاطب را در کانون توجه خود قرار می‌دهد. این پرسش جزء طبقه‌ای از پرسش‌ها است که اسونویگ (۱۹۹۹: ۱۰۰) آنها را پرسش‌های عرضه‌گر-استنباط‌گر<sup>۲</sup> می‌نامد. کارکرد اولیه این پرسش بنیان‌گذاری موضوع جدید است. در مثال فوق، این پرسش به عنوان یک پرسش مرتبط با موقعیت کلام و در چارچوب نوبت‌های پیشین مکالمه مطرح شده و به دلیل همکاری فرد مخاطب، جهت موضوع‌های بعدی مکالمه را مشخص کرده است. کارکرد دیگر این کنش زبانی، صورت‌بندی مخاطب در یک «مقوله» خاص است. پرسش مطرح‌شده در قطعه فوق، درخواستی برای انتخاب میان مقوله‌های از پیش صورت‌بندی‌شده ارائه داده است: ۱- سکونت در شهر بانه؛ ۲- سکونت در یک شهر کردنشین دیگر. با توجه به این کارکرد، مشارک «ب» به مقوله‌بندی مشارک «الف» بر مبنای یک اجتماع (شهر) پرداخته است.

دومین جزء کلیدی توالی مستقیم، پاسخ خودافشاگرانه به پرسش فرد سخنگو است. طول این پاسخ، به زمان مداخله فرد پرسشگر در نوبت فرد پاسخ‌دهنده بستگی دارد. در قطعه فوق، این پاسخ، پاسخی نسبتاً کوتاه است که در آن، مشارک «الف» زادگاه خود را به عنوان اطلاعی نو وارد موضوع مکالمه می‌کند (نوبت شماره ۷). علت کوتاه بودن این نوبت این است که مشارک «ب» به سرعت و پس از دریافت اطلاع مورد نظر، سخن او را قطع می‌کند تا درباره آن اظهار نظر نماید (به همپوشانی‌ها در نوبت ۷ و ۸ که با علامت [قَلَاب] نشان داده شده‌اند دقت شود). پس ویژگی این پاسخ این است که طول آن به دخالت سخنگوی نخست در نوبت مشارک پاسخگو بستگی دارد: اگر فرد پرسشگر اطلاع مورد نظر را بلافاصله دریافت کرد، نوبت فرد پاسخ‌دهنده کوتاه خواهد بود و در غیر این صورت، این نوبت تا زمان دریافت اطلاعات مورد نظر ادامه می‌یابد.

آخرین بخش کلیدی توالی مستقیم تبادل اطلاعات، بسط تعامل به کمک توضیح «خودگرا»<sup>۳</sup> یا توضیح معطوف به فرد پرسشگر است. توضیح خودگرا نوبتی است که معمولاً پس از دریافت اطلاعات فرد پاسخگو توسط سخنگوی نخست ارائه می‌گردد (اسونویگ، همان: ۱۱۰). این نوبت، با توجه به دانش به دست آمده از پاسخ مشارک دوم و با چرخش مشارک اول به سوی اطلاعات شخصی یا زندگی‌نامه‌ای خود - که با اطلاعات مخاطب پیوند انسجامی دارد - ایجاد می‌شود. در قطعه فوق، پس از آن که مشارک «ب» اطلاعات مورد نظرش را دریافت می‌کند، دامنه گفتار را به سمت خود معطوف کرده و اطلاعات زندگی‌نامه‌ای مختصری - که با شهر زادگاه مخاطب ارتباط دارد - ارائه می‌دهد. بنابراین،

<sup>1</sup> dialect mixing

<sup>2</sup> presentation-eliciting question

<sup>3</sup> self-oriented comment

توضیح - خودگرا، فرایندی خودگزین است که نوبت شماره ۶ (تشخیص لهجه «الف») را به نوبت شماره ۱۸- که حاوی نظر شخصی «ب» راجع به شهر سندج است - پیوند داده‌است.

### ۵. توالی مستقیم تبادل اطلاعات براساس مدل اسونویگ

در بخش قبلی، سه جزء اصلی مدل اسونویگ را به کمک یک مکالمه توضیح دادیم. در ادامه، جزئیات مدل اسونویگ را با مثال‌های بیشتری توضیح خواهیم داد.

#### ۱-۵. پرسش با هدف ارائه و استخراج اطلاعات

همان‌گونه که پیشتر هم گفته شد، نخستین نوبت در توالی مستقیم، پرسش درباره پیشینه فردی یا اجتماعی مخاطب است. این پرسش یا به قصد طبقه‌بندی مخاطب در یک جامعه، صنف و گروه مطرح شده‌است و یا به قصد آگاهی یافتن از تجارب شخصی و وضعیت روانی وی.

پرسش‌های معطوف به عضویت در یک جامعه، به فرد پرسشگر کمک می‌کنند تا اطلاعات مورد نیاز را به واسطه شناخت خود از جامعه‌ای که مخاطب عضوی از آن است، استنباط کند. ساکس<sup>۱</sup> (۱۹۹۵: ۴۰) چنین پرسش‌هایی را پرسش‌های استنباط-آکنده<sup>۲</sup> می‌نامد، چرا که به‌طور بالقوه حاوی اطلاعات مهمی راجع به مخاطب هستند. در پیکره زبانی ما تمام این پرسش‌ها متمرکز بر عضویت در دانشگاه، یک صنف خاص شغلی و یا زادگاه مخاطب بود. نمونه‌های زیر، پرسش‌های استخراج شده از چندین مکالمه مختلف هستند:

1- baʃa esta tʃi akaj? har la razaija axweni?

2- karu bəɾət ləwe tʃi bu? har tarɟomat akərd?

3- ɟanabtən xalki era nin?

4- anɟomani zaban? ba rastita?

5- har law dənəʃga xarik buj?

6- toʃ ba məndali tʃuj bo karwan?

#### ترجمه:

۱- خُب الان مشغول به چه کاری هستی؟ هنوز ارومیه درس می‌خونی؟

۲- اون جا چه کاره بودی؟ فقط مشغول ترجمه بودی؟

۳- شما اهل این جا نیستین؟

۴- انجمن زبان؟ جدآ؟

۵- تو همون دانشگاه کارم می‌کردی؟

۶- تو هم بچگی می‌رفتی کاروان؟

<sup>1</sup> H. Sacks

<sup>2</sup> inference-rich questions



طیف دوم از پرسش‌های عرضه‌کننده - استخراج‌کننده اطلاعات، معطوف به اطلاعات زندگی‌نامه‌ای مخاطب‌اند. در داده‌های ما، این پرسش‌ها بیشتر به موضوعاتی نظیر دریافت اطلاعات از گذشته، حال و آینده مخاطب مربوط می‌شدند. نمونه‌های زیر، پرسش‌های استخراج‌شده از چندین مکالمه مختلف هستند ::

1- baʃa esta tʃi akaj? har la razaija axweni?

2- karu barət ləwe tʃi bu? har tarɟomat akərd?

3- ɟanəbtaŋ xalki era nin?

4- anɟomani zaban? ba rastita?

5- har law dənəʃga xarik buj?

6- toʃ ba məndali tʃuj bo karwan?

### ترجمه:

۱- خرجت هم پای پدرت بود؟

۲- خُب الان می‌خای بری؟

۳- شما هنوز ازدواج نکردید؟

۴- به سلامتی کی تموم می‌کنی؟

۵- داداشم تو رو می‌شناخت یا فقط از دور؟

۶- فکر می‌کنم تو هم مثل من ازشون نفرت داشتی. درسته؟

۷- بعد از چند سال رفت و آمد می‌خای بری خونه پدرزنت؟

اگرچه پرسش‌های زندگی‌نامه‌ای و پرسش‌های مرتبط با جایگاه اجتماعی از بسیاری جهات مشترک‌اند، اما کارکرد متفاوت دارند: پرسش‌های مرتبط با جایگاه اجتماعی، بر پیوند مخاطب با یک گروه تمرکز دارند و او را در سطح یک مثال موردی از آن گروه تقلیل می‌دهند، در حالی که پرسش‌های زندگی‌نامه‌ای، بر فردیت و بُعد روانی مخاطب متمرکز هستند.

### ۲-۵. پاسخ خودافشاگرانه

دومین بخش توالی مستقیم، پاسخ مخاطب است. این پاسخ، بسته به زمان واکنش فرد پرسشگر به پاسخ مخاطب، می‌تواند کوتاه و یا بلند باشد. در داده‌های این تحقیق، بیشتر پاسخ‌ها طولانی بودند؛ یک دلیل این مسأله احتمالاً بافت موقعیتی‌ای است که این مکالمات در آن روی داده‌اند: بافت موقعیتی مکالمه، کوهستانی نسبتاً دور افتاده است که چند همسفر ناآشنا احتمالاً تنها ساکنان آن هستند؛ در این شرایط، افراد به هم نزدیک‌ترند و زمان یا تمایل بیشتری برای شرکت در توالی پرسش-پاسخ دارند. دلیل دیگر طولانی بودن این پاسخ‌ها، به خصیصه ژانریک مکالمات آشنایی باز می‌گردد: مشارک آغازکننده توالی تا زمانی که اطلاعات مورد نظر خود را دریافت نکند یا سکوت می‌کند و یا از مخاطب توضیحات بیشتری طلب می‌کند و مشارک پاسخگو به دلایلی - نظیر از دست ندادن وجهه<sup>۱</sup> - به ارائه پاسخ کافی ادامه می‌دهد. در مثال زیر، یک نمونه از این پاسخ طولانی ارائه شده است.

<sup>۱</sup> face

## مکالمه ۲:

- 1 A-pet xoʃa kar kaj ja tawawi kaj?
- 2 B-nazanəm. xarʃiʃi zoraw nakrə tawawiʃi nakam. ʃajdiʃ tʃuma sələmani. ʃa nazanəm lawe kar dastəm [akawe]
- 3 A-[hmm]
- 4 B-rəfiqəkm tʃu bu ajkot kar nija. kakiʃəm pər najheʃt bətʃəm.  
lera kar be qat [natʃəm]
- 5 A-[ʃa] agar lawe das nakawe lera tʃon kar paja akaj? bəxwəni baʃtra
- 6 B-wa akam... xarʃi gifənəm dar de dowai.

## ترجمه مکالمه ۲:

الف- دوس داری کار کنی یا تحصیلاتت رو تموم کنی؟

ب- نمی‌دونم. خرجش زیاده و همیشه تمومش نکنم. شایدم رفتم سلیمانیه. ولی نمی‌دونم اون جا کار پیدا [می‌شه]

الف- [همم]

ب- یکی از دوستانم رفته بود، می‌گفت کار نیست. برادر بزرگم پارسال اجازه نداد برم. این جا کار پیدا کنم هرگز [نمی‌رم].

الف- [آخه] آگه اون جا کار پیدا نکنی چطور این جا پیدا می‌کنی؟ ادامه تحصیل بدی بهتره.

ب- این کار رو می‌کنم. پول تو جیبم هم بعداً درمیاد.

پرسش مشارک «الف»، به قصد آگاهی از برنامه‌های شخصی مخاطب در آینده مطرح شده‌است. مشارک «ب» به جای پاسخ کوتاه، در نوبت شماره ۲ گزینه‌هایی را که شخص پرسشگر در سؤال خود مطرح کرده‌است (کار کردن یا ادامه تحصیل) بسط می‌دهد و اطلاعاتی اضافی به وی عرضه می‌کند. به عبارت دیگر، فرد مخاطب پرسش را صرفاً به‌مثابه یک درخواست برای دریافت پاسخی مثبت یا منفی تلقی نمی‌کند. از آن‌جا که این پاسخ بدون مداخله اضافی فرد پرسشگر شکل گرفته، نوبت بعدی فرد پاسخ‌دهنده باز هم نسبتاً طولانی شده‌است: مشارک «ب»، «نشانگر تصدیق»<sup>۱</sup> hmm در نوبت ۳ را به عنوان تمایل فرد پرسشگر برای ادامه کلام تفسیر کرده و از این‌رو، در نوبت ۴ باز هم پاسخ خود را بسط داده‌است. بنابراین، می‌توان گفت که فرد پاسخ‌دهنده «ب» با توجه به تمایل فرد پرسشگر «الف»، کلام خود را بسط داده‌است.

پژوهشگران مکالمه، همانند شگloff<sup>۲</sup> (۲۰۰۷: ۱۷۱-۱۷۹) پاسخ‌های کوتاه را نشانه‌هایی تفسیر کرده‌اند که مشارک پاسخ‌دهنده، از مجرای آنها، مشارک پرسشگر را به طرح پرسش‌های دقیق‌تری ترغیب می‌کند. برخی از یافته‌های تحقیق حاضر، از جمله مثال زیر، این دیدگاه را تأیید می‌کنند:

## مکالمه ۳:

- 1 A-pet xoʃ bu arʃadakajʃət bətʃi bo tarən [ja...?]
- 2 B-[mmm na]

<sup>1</sup> acknowledgment token

<sup>2</sup> E. Schegloff

- 3 A-tʃon dlət de! baʃa bo danəʃga taran naxoʃa?  
 4 B-na basi danəʃga nija.  
 5 A-daj bo lugal taran nasazi?@  
 6 B-regakam zor dura...am ɖar taqati ʃəluqiʃəm nija...pir bum tawaw [@@]  
 7 A-[@].../aɖəʃab am tʃan sala /adatət nagərtwa.

### ترجمه مکالمه ۳:

الف - دوس داشتی کارشناسی ارشدت هم تهران بری [یا]...؟

ب - [ممم نه]

الف - چطور دلت میاد! مگه دانشگاه تهران بده؟

ب - نه مسأله دانشگاه نیست.

الف - پس چرا با تهران لج کردی @?

ب - راهم خیلی دوره... گذشته از اون حوصله شلوغی هم ندارم... پیر شدم رفت [@@]

الف - [@@]...عجیبه که تو این چند ساله بهش عادت نکردی.

همان گونه که در این جا مشاهده می شود، پاسخ های کوتاه مخاطب - که در نوبت های ۲ و ۴ آمده اند - پرسش مطرح شده از سوی فرد پرسشگر را خاتمه نداده اند، بلکه در نوبت های ۳ و ۵ پرسش های دقیق تری را برانگیخته و نهایتاً، موجب بسط پاسخ در نوبت ۶ شده اند. بنابراین، تحلیلگران مکالمه، در هنگام تحلیل توالی تبادل اطلاعات، باید کارکرد این پاسخ های کوتاه را - که امکان بسط گفتار را فراهم می آورند - مد نظر قرار دهند.

### ۳-۵. بسط تبادل اطلاعات در توالی مستقیم

سومین بخش توالی مستقیم تبادل اطلاعات، دربردارنده آن دسته از نشانه های زبانی است که به بسط نوبت های مکالمه کمک می کنند. رایج ترین نوع این نشانه ها، «عنصر نشانگر تأیید» نام دارد. گرچه این نشانه، در مواردی نقش یک عنصر پایان بخش توالی پرسش-پاسخ را ایفا می کند، در اکثر مواقع، برتمایلی یکی از مشارکین به بسط موضوع کلام یا پرسش دلالت دارد (مثلاً همم در نوبت سوم مکالمه ۲ و ممم در نوبت دوم مکالمه ۳). یکی دیگر از این نشانه ها، عنصر برجسته ساز موضوع<sup>۱</sup> است. طبق تعریف اسونویگ (۱۹۹۹: ۱۰۸) عنصر برجسته ساز، نشانه ای زبانی است که موضوع مطرح شده در مکالمه را بدون توضیحات اضافی ارزش گذاری کرده و بر اهمیت آن تأکید می کند (مانند پرسش «واقعاً؟» در جریان یک مکالمه). این عنصر، نشانگر علاقه و یا نظر مثبت فرد شنونده نسبت به موضوع مکالمه است. دیگر نشانه زبانی که به بسط موضوع مکالمه کمک می کند، پرسش پژواکی<sup>۲</sup> است. پرسش پژواکی، پرسشی است که مطلب بیان شده را یک بار دیگر با آهنگ خیزان تکرار می کند. کارکرد این پرسش، ترغیب مخاطب به ارائه توضیح و یا تکرار و تأیید کلام است (چگینی، ۱۳۸۴). مضاف بر این، پرسش پژواکی علاقه و شگفتی شنونده را نسبت به گفته فرد سخنگو نشان می دهد و وی را ترغیب می کند که موضوع را بسط دهد. کارکرد این نشانه ها را به کمک مکالمه زیر توضیح خواهیم داد.

<sup>۱</sup> topicalizer

<sup>۲</sup> echo question

## مکالمه ۴:

- 1 A-era garmiʃ ka waku aw la nija. dame bu garmaj wam nadibu...waku ahwaz
- 2 B- ahwaz?
- 3 A-axər mali xoʃkekəm la ahwaza... zawakaman ahwazija
- 4 B-hmm balə
- 5 A-tʃan ʔariʃ qawli pe dam bihenətawa bo bana.
- 6 B-bo bana? ʔa tʃəbka lera?
- 7 A-dajkəm be taqata...boj nəkərə bətʃe bo laj pir [buwa]
- 8 B-[aha]
- 9 A-xoʃʔəm karəm zora...paiz dukan da anem
- 10 B-ba rast? Lakwe?
- 11 A-lam paʔaʔana...ba ʃariki daj anem
- 12 B-ba ʃariki? ʔa ba kar de ʃariki kaj?
- 13 A-xuwa /alama. bəʔanəm tʃon abe.
- 14 B-zor tʃaka
- 15 A-ʃarikakam lagaləm pijawati ka muʃkələkəm nabə.

## ترجمه مکالمه ۴:

الف- این جا گرم هم بشه مثل اون ورا نیست. خیلی وقت بود همچین گرمایی رو ندیده بودم... مثل اهوازه

ب- مثل اهواز؟

الف- آخه خونه یکی از خواهرام اهوازه. دو مادمون اهوازیه

ب- همم بله

الف- چند بارم بهم قول داد بیارتش بانه.

ب- بانه؟ خُب این جا چکار کنه؟

الف- مادرم دلتنگشه... نمیتونه پیشش بره. پیر [شده]

ب- [آها]

الف- خودمم سرم شلوغه... پاییز مغازه می‌زنم

ب- جدا؟ کجا؟

الف- تو این پاساژا... شراکتی مغازه می‌زنیم.

ب- شراکتی؟ شراکتی ارزش داره؟

الف- خدا می‌دونه. بینیم چطور می‌شه

ب- خیلی هم عالی

الف- آگه شریکم انسانیت داشته باشه مشکلی واسم پیش نمیداد.

مشارک «الف» در نوبت نخست، گرمای هوا را با گرمای شهر اهواز مقایسه می‌کند. مشارک «ب» این موضوع را دارای ارزش اطلاعاتی تشخیص می‌دهد و در نوبت دوم با یک پرسش پژوهاکی (یعنی با تکرار کلام مشارک «الف»)، او را ترغیب می‌کند تا درباره گفته خود توضیح دهد. همین مسأله باعث می‌شود که مشارک «الف» در نوبت ۳ از تجربه خود در مورد شهر اهواز، و پیوند خود با این شهر اطلاعاتی در اختیار وی قرار دهد. مشارک «ب» در نوبت ۴ با استفاده از یک عنصر نشانگر تأیید mmm، باز هم مشارک «الف» را ترغیب می‌کند که درباره موضوع توضیح دهد و مشارک «ب» اطلاعات نوبت ۳ را باز هم بسط می‌دهد. مشارک «ب» در نوبت ۶ با استفاده از یک پرسش پژوهاکی، خواهان ارائه اطلاعات بیشتری می‌شود و مشارک «الف» در نوبت ۷ جزئیات شخصی تری ارائه می‌دهد. در نوبت ۸ مشارک «ب» با یک پاسخ کوتاه که در بردارنده یک نشانگر تأیید است، از اظهار نظر خودداری می‌کند. در نوبت ۹ مشارک «الف» موضوع را تغییر می‌دهد و درباره برنامه خود در آینده (باز کردن مغازه) سخن می‌گوید. مشارک «ب» در نوبت ۱۰ با استفاده از یک عنصر برجسته‌ساز موضوع (ba rəst) علاقه خود به آن را نشان داده و با طرح یک پرسش کوتاه (lakwe) مشارک «الف» را ترغیب می‌کند که موضوع جدید را بسط دهد. مشارک «الف» در نوبت ۱۱ اطلاعات مختصری درباره تصمیم خود ارائه می‌دهد و مشارک «ب» باز هم با تکرار بخشی از کلام مشارک «الف» در قالب پرسش پژوهاکی (نوبت ۱۲) جزئیات بیشتری را از طرف مقابل طلب می‌کند. همان‌گونه که از توالی‌های این مکالمه مشخص است، نشانه‌های زبانی کوتاهی مانند پرسش‌های پژوهاکی، نشانگرهای تصدیقی و عنصر برجسته‌کننده موضوع، می‌توانند نقش مؤثری در بسط نوبت‌های یک مکالمه داشته باشند.

#### ۵-۴. توضیح خودگرا (توضیح معطوف به فرد آغازکننده توالی)

توضیح خودگرا، آخرین بخش توالی مستقیم تبادل اطلاعات به شمار می‌رود. توضیح خودگرا، واکنش فعال مشارک آغازکننده توالی پرسش-پاسخ (فرد پرسشگر) به گفته‌های مخاطب است. در جریان این واکنش زبانی، فرد آغازکننده توالی، با ارائه اطلاعات مرتبط با گفته‌های مخاطب، دامنه موضوعی کلام را به سمت اطلاعات شخصی خود معطوف می‌کند. یک نمونه از این نوبت را در مکالمه «۱» (نوبت ۱۸) ذکر کردیم. در مثال زیر نمونه بسط یافته‌تر توضیح خودگرا را تشریح خواهیم کرد.

#### مکالمه ۵:

- 1 A-zor dowaj ma/afi kawtəm...bam qatfawa hamu doktore tʃum... kotjan ma/af abi. xaləm ajkot illəj nija.
- 2 B-daj axəri ɖor nabu?
- 3 A-na...doktorakaj səna ajkot hitʃət nija...ajkot amənخالاتنی...[@@]
- 4 B-[balə] daj
- 5 A-axəri bam qatfawa tʃum
- 6 B-mən dowaj kafalati bəpərəm kawtəm. haftə salı abu. zori pe natʃu... faqat səɖil bəpərəm hon bəbu...lagalman najahət bo sabti ahwal

7 A-@ɟa bo?

8 B-ajkot bom nakre bestanakam ba ɟe heləm...dawaj ʒəni leman akərd@@@...

Kutəm wara Σar kərasət bo akrəm...ɟa atΣin bo dawaj ʒən...wa xalatanman...la  
dowa awaʃ har dawaj ʒəni lem akərd@@@

### ترجمه مکالمه ۵:

الف- خیلی دنبال معافیت افتادم... با این پام همه دکتری رفتم. گفتن معاف می‌شی. دایم می‌گفت ردخور نداره

ب- خُب آخرشم جور نشد؟

الف- نه... دکتر سندج می‌گفت چیزیت نیست... می‌گفت گولمون می‌زنی... [@@@]

ب- [بله] خُب

الف- آخرش با همین پا رفتم

ب- من دنبال کفالت پدربزرگم افتادم. هفتاد سالتش می‌شد. زیاد طول نکشید. ولی شناسنامه پدربزرگم گم شده بود... باهامون

نمیومد ثبت احوال

الف- @ آخه چرا؟

ب- می‌گفت نمیتونم باغم رو ول کنم... از مون می‌خواست واسش زن بگیریم (@@)... بهش گفتم باشه بیا خونمون واست لباس

بخرم تا بعدش بریم خواستگاری... این جوری گولش زدم... بعدها هم همچنان ازم زن می‌خواست @

در نوبت اول، مشارک «الف» داستان پی‌گیری معافیت سربازی خود را به عنوان موضوع مکالمه مطرح می‌کند.

مشارک «ب» با کنجکاوی این موضوع را دنبال می‌کند و در نوبت ۲ با طرح پرسش، خواهان نقل نتیجه داستان است.

وقتی مشارک «الف» در نوبت ۵ نتیجه را بیان می‌کند، مشارک «ب» همان موضوع را پی‌گیری می‌کند و این بار، داستان

معافیت خود را مطرح می‌کند (نوبت ۶). در این جا، جایگاه مشارکین تغییر می‌کند: مشارک «الف» که سخنگوی فعال

بود، این بار جایگاه شنونده را برعهده می‌گیرد و در نوبت ۷ از مشارک «ب» می‌خواهد داستان خود را بسط دهد.

مشارک «ب» در واکنش به این درخواست، در نوبت ۸ جزئیات و اطلاعات بیشتری درباره داستان معاف شدن خود را در

اختیار شنونده قرار می‌دهد. در مثال فوق، کارکرد اصلی توضیح خودگرا، بسط موضوع و صورت‌بندی آن در چارچوب

پیش‌زمینه یا تجربه مشترک مشارکین است. این تجربه مشترک، مکالمه را در حالت تقارن نگه می‌دارد و به هر دو

مشارک این امکان را می‌دهد که به طور برابر اطلاعاتی در اختیار یکدیگر قرار دهند. به این ترتیب، مکالمه وارد مرحله

جدیدی می‌شود و از حالت نامتقارن نخست، که طی آن یک مشارک صرفاً نقش پرسشگر و دیگری صرفاً نقش

پاسخ‌دهنده را برعهده داشت، خارج می‌شود. از آنجا که توضیح خودگرا، زمینه چرخش از دیگرگزینی به خودگزینی را

فراهم می‌آورد، می‌توان آن را راهکاری مبتکرانه برای گذار از توالی بازجویانه به توالی تعاملی تعبیر کرد.

### ۶. توالی غیرمستقیم تبادل اطلاعات

مشارکین مکالمه، باید به طور دائم دانش مشترک از موضوعی را که برای نخستین بار درباره آن اطلاع ردوبدل می‌کنند،

حفظ کنند تا بدانند چه پیش‌فرضی را باید مسلم بگیرند و در پیش زمینه کلام نگه دارند و چه پیش‌فرضی را در قالب

یک اطلاع نو صراحتاً بیان کنند. برای افراد ناآشنا، سنجش دانش مخاطب درباره یک موضوع، امری به مراتب پیچیده‌تر

به‌شمار می‌رود، زیرا آنها مجبورند برای فائق آمدن بر این مشکل از راهکارهای ارتباطی غیرمستقیم بهره گیرند. رایج‌ترین

این راهکارها، استفاده از «توالی جانبی»<sup>۱</sup> است (اسونویگ، ۱۹۹۹: ۶۱). توالی‌های جانبی، نوبت‌هایی فرعی هستند که به مشارکین این امکان را می‌دهند تا با گریز موقت از موضوع اصلی مکالمه، دانش مخاطب خود درباره موضوع را ارزیابی نمایند (جفرسن، ۱۹۷۲: ۲۹۴). این توالی، تنها زمانی به مکالمه افراد ناآشنا تزریق می‌شود که یک مشارک از دانش پیش‌زمینه‌ای مخاطب خود درباره موضوعی خاص، اطمینان نداشته باشد. در مثال زیر، از نوبت ۵ الی ۸، توالی جانبی روی داده‌است:

### مکالمه ۶:

- 1 A-la abrasan kətebekəm kəri...la xəbga təmifəm kərd dim awa nija ka  
ostadaka mo/arefi kərdəbu...kətebakam bərdawa. kabra /awazi nakərd
- 2 B-{Silence}
- 3 A-kotəm esta letəm kəri...ajkot nabe...ema qat lam kətebamən nabowa
- 4 B-{Silence}
- 5 A-kotəm (PERSIAN: haq aqa man kordam...tabrizi nistam...inqa  
danəfəsu hastam...karam ra rah bəndəz)...kuti kart bəna...pem  
nabu...xəbakaman nəzik [bu]
- 6 B- [abrasan?]
- 7 A-arə...tʃowar rajki gawraja la tabrez...kətebfroʃiki gawrajfi leja
- 8 B-a...əsta birəm kawt. rəst akaj...azanəm kamaja...qarək tʃu bum...la  
tabrez
- 9 A-tʃum kartakam hənə...koti lakwe bəzanəm xoti? katʃi dasti kərd ba  
pekaninu koti ʃoxi akam
- 10 B-[@@@]

### ترجمه مکالمه ۶:

الف- از آبرسان کتاب رو خریدم... توی خوابگاه دیدم اونی نیست که استاد معرفی کرده بود... کتاب رو برگردوندم. یارو عوضش نکرد

ب- {سکوت}

الف- گفتم الان ازت خریدم... می‌گفت نمی‌شه... ما هیچ وقت از این کتاب نداشتیم

ب- {سکوت}

الف- گفتم (زبان فارسی: حاج آقا من گُردم... تبریزی نیستم... این جا دانشجو هستم... کارم را راه بنداز)... گفت کارت بیار... کارت همراهم نبود... خوابگاهمون نزدیک آبرسان [بود]

ب- [آبرسان؟]

الف- آره... یه چهار راه بزرگه تو تبریز... یه کتاب‌فروشی بزرگم داره

ب- آها الان یادم افتاد... راس می‌گی... می‌دونم کدومه... یه بار رفتم... آره تو تبریزه

الف- رفتم کارتم رو آوردم... گفت از کجا بدونم خودتی؟... یهو زد زیر خنده و گفت شوخی کردم

ب- [@@@]

<sup>1</sup> side sequence

مشارک «الف» در نوبت ۱ شروع به نقل داستانی می‌کند که در خیابان آبرسان تبریز برای او اتفاق افتاده است. مشارک «ب» در قبال گفته‌های مشارک «الف»، سکوت می‌کند و این نشان می‌دهد که به دلیلی نمی‌تواند در مورد نوبت قبلی اظهار نظر نماید. مشارک «الف» که هنوز متوجه این سکوت نشده است، باز هم در نوبت ۳ داستان خود را نقل می‌کند و این بار هم واکنشی از سوی مشارک «ب» دریافت نمی‌کند؛ به همین دلیل، در نوبت ۵ قرینه‌هایی از موقعیت داستان ارائه می‌کند: ابتدا، با نقل قول خود به زبان فارسی نشان می‌دهد که داستان در یک شهر غیر کردزبان روی داده است؛ سپس، صراحتاً به شهر تبریز اشاره می‌کند. مشارک «ب» متوجه این قرینه‌ها می‌شود و در نوبت ۶ به صورت تلویحی از او می‌خواهد که درباره کلمه «آبرسان» توضیح دهد. همین مسأله باعث می‌شود که مشارک «الف» در نوبت ۷ نقل داستان را کاملاً متوقف کند و توضیحاتی درباره بافت موقعیتی داستان ارائه دهد. این توضیح باعث واکنش مثبت مشارک «ب» در نوبت ۸ می‌شود و این نشان می‌دهد که وی زمینه مشترک موضوع را درک کرده است. پس از این وقفه کوتاه، مشارک «الف» داستان خود را در نوبت ۹ ادامه می‌دهد. توالی در نوبت ۱۰ با واکنش مثبت مشارک «ب» پایان می‌یابد.

یکی دیگر از کارکردهای توالی جانبی، فراهم کردن بستری مناسب برای شناسایی جایگاه مخاطب در یک گروه یا اجتماع خاص است. مشارکین ناآشنا، با استفاده از پیکره واژگان تخصصی یک گفتمان یا ایدئولوژی سعی می‌کنند ابتدا اشتراکات ایدئولوژیک خود با مخاطب را بازشناسی کنند و سپس، در نوبت‌های طولانی در مورد این اشتراکات تعامل داشته باشند (کلارک، ۱۹۹۸: ۸۵). از این لحاظ، توالی جانبی، هم اشتراکات گروهی مشارکین را آشکار می‌سازد و هم به آنها کمک می‌کند تا میزان دانش و عمق اطلاعات مخاطب درباره گروه را به طور غیر مستقیم بسنجند. در مکالمه زیر، مشارکین با استفاده از یک توالی جانبی سعی می‌کنند میزان دانش و علاقه یکدیگر به یک رشته علمی را مورد ارزیابی قرار دهند.

#### مکالمه ۷:

- 1 A-xom aləqam ba ɖəmə/aʃənəsi bu... hartʃek axwenəm ter nəbəm.
- 2 B-az qaza məniʃ falsafam pe xoʃ bu...zor gərana faqat basa  
ɖədɪdakani xoʃən
- 3 A-aw sar rutaka...kətebəki bu la sar ɖonun...la awalawa te nəgəjʃtəm
- 4 B-foko
- 5 A-afaram
- 6 B-lawe basi awa aka ka tʃon la faransa ʃetakən la ʃar dar akran
- 7 A-ha...ɖəldeki suri bu
- 8 B-/akseki /əjibiʃi ba sarawa bu...la baraj ɖonunu modərnita
- 9 A-tarix ɖonun? mən jak ɖarəm xwend bu...toze te gəjʃtəm
- 10 B-arə. tarix ɖonun...basi sarkuba la zamani modərn...ka farəq daka  
lagal qadim...zor qorsa [qəsakani]
- 11 A-[wəja]...falsafa zor ʃətiki ɖələbu xoʃa



## ترجمه مکالمه ۷:

الف - خودم به جامعه‌شناسی علاقه داشتم. هرچی هم می‌خونم سیر نمی‌شم

ب - اتفاقاً منم به فلسفه علاقه داشتم... سخته ولی بحثای جدیدش خیلی جالب

الف - اون کچله اسمش چی بود؟ یه کتاب درباره جنون داره... اولش متوجه نمی‌شدم

ب - فوکو؟

الف - آفرین

ب - اون جا در این باره صحبت می‌کنه که چطور تو فرانسه دیوونه‌ها رو از شهر بیرون می‌کردن

الف - یادم اومد... یه جلد قرمز داشت

ب - یه عکس عجیب رو جلدش... درباره جنون و مدرنیته

الف - تاریخ جنون؟ من یه بار خوندمش... کمیش رو فهمیدم

ب - آره... تاریخ جنون... بحث سر کوب توی دوره مدرنه... که فرق می‌کنه با قدیم... خیلی سنگینه [حرفاش]

الف - [درسته]... فلسفه خیلی جالب و جذابه

مشارک «الف» در نوبت ۱ نسبت به یک شاخه علوم انسانی ابراز علاقه می‌کند و در نوبت ۲ مشارک «ب» هم از علاقه خود به شاخه‌ای مرتبط سخن می‌گوید. مشارکین از نوبت ۳ الی ۱۰ با استفاده از یک توالی جانبی سعی می‌کنند میزان دانش یکدیگر را در این شاخه‌ها بسنجند. در نوبت ۳ مشارک «الف» با مطرح کردن مشخصات ظاهری و نیز موضوع کتاب یکی از نویسندگان شاخه‌ای که هر دو به آن ابراز علاقه کرده بودند، توالی جانبی را آغاز می‌کند. مشارک «ب» در نوبت ۴ به اسم دقیق نویسنده اشاره می‌کند و با استقبال مشارک «الف» در نوبت ۵ توالی جانبی باز هم ادامه پیدا می‌کند. در نوبت ۶ مشارک «ب» با استفاده از واژگانی تخصصی‌تر به محتویات کتاب نویسنده‌ای که در نوبت ۴ به او اشاره شده بود، نشان می‌دهد که پیش‌زمینه‌ای مختصر در یکی از شاخه‌های علوم انسانی دارد. در نوبت ۷ مشارک «الف» هم با اشاره به مشخصات ظاهری کتاب، آشنایی خود با کلیت بحث را نشان می‌دهد. در نوبت ۸ مشارک «ب» ویژگی دقیق‌تری از کتاب و عنوان کلی آن مطرح می‌کند و در نوبت ۹ مشارک «الف» به نام دقیق کتاب اشاره می‌کند. در نهایت، مشارک «ب» به کمک واژگان مختص به حوزه گفتمانی کتاب، چکیده‌ای از محتوای آن را در یک جمله شرح می‌دهد. در نوبت ۱۱ مشارک «الف» باز هم به نقطه شروع توالی - یعنی اظهار نظر کلی درباره یک شاخه علمی - بازمی‌گردد و بدین ترتیب توالی جانبی را پایان می‌دهد.

جز دو مورد ذکر شده در مکالمات فوق، توالی‌های جانبی یک کارکرد دیگر هم دارند: مشارک مخاطب می‌تواند با استفاده از این توالی‌ها به فرد آغازکننده مکالمه نشان دهد که درمورد موضوع مکالمه دانش کافی دارد. در مثال زیر یکی از مشارکین تلاش می‌کند تا با استفاده از توالی جانبی، به مشارک آغازکننده نوبت یادآوری کند که با بافت موقعیتی رویداد داستانی که وی قصد روایت آن را دارد، کاملاً آشناست:

## مکالمه ۸:

1 A-bo sar Σomari tΣuma nəʒo...deki zor xoΣ nabu...xalkakaj balom  
tajbat [bun]

2 B-[hmmm]

- 3 A-zorjan israr akærd bo nanu tʃaj xowærdnə bətʃina ʒurə
- 4 B-arə xalkakaj zor tʃakən...ləj [sadbara]
- 5 A-[arə]...zor tapu toziʃ bu aw roʒa
- 6 B-ta nax de asfalt bu xo ɖaran...dameka asfalta
- 7 A-la birəm namawa...ka rahim naxek bu zor qəsazən bu
- 8 B-xala rahim naləj?
- 9 A-ɖa tʃoni anasi?
- 10 B-ma/muri bædaʃt bum...tʃan ɖar tʃum. xala rahimiʃəm diwa.
- 11 A-koti wara mali dostakam sar ʃomari ka...ba ɖe naheli
- 12 B-arə awa har waja lagal əmaʃ ʃoxi akærd
- 13 A-lagali tʃum bəzənəm mali dostakaj kamaja...dərgəj hawʃakaj kərdawa...  
katʃi dim gəjki bastəbu... ajkot ama rəfiqakama...biʒmərə[(@@@)]
- 14 B-[@@@] xala rahim har waja.

### ترجمه مکالمه ۸:

- الف- برای سرشماری رفته‌ام... زیاد روستای قشنگی نبود... ولی مردمش بی نظیر [بودن]  
ب- [هممم]
- الف- خیلی اصرار می‌کردن که واسه غذا و چایی بریم تو خونشون  
ب- آره مردمش خیلی خوبن... نزدیک [سدباره]
- الف- آره... اون روز خیلی گرد و خاک بود  
ب- قبلاً که تا داخل روستا آسفالت بود... خیلی وقته آسفالته  
الف- یادم نیامده... یه آغا رحیم بود که خیلی زرنگ بود  
ب- دایی رحیم رو نمیگی؟  
الف- تو از کجا می‌شناسیش؟
- ب- مأمور بهداشت بودم... چند بار رفته‌ام... دایی رحیم هم دیدم  
الف- گفت بیا خونه‌ی دوستم رو سرشماری کن... جاش نذاری  
ب- آره دایی رحیم همین جوریه... با مام شوخی می‌کرد  
الف- باهاش رفته‌ام تا ببینم خونه‌ی دوستش کجاس... در حیاط رو باز کرد... دیدم یه گاو رو بسته بود... گفت این دوستمه...  
بشمارش[(@@@)]  
ب- [(@@@)] دایی رحیم همین جوریه.

در این مکالمه، مشارک «الف» در نوبت نخست تلاش می‌کند یک توالی داستانی با درون‌مایهٔ روایی را آغاز کند. مشارک «ب» در نوبت ۲ با استفاده از پرکننده<sup>۱</sup> hmmm، او را ترغیب می‌کند تا به روایتگری خود ادامه دهد. در نوبت ۳ مشارک «الف» جزئیاتی دربارهٔ مهمان‌نوازی و سخاوت مردم روستایی که ماجرا در آن روی داده‌است، ارائه می‌دهد. مشارک «ب» که احتمالاً با مشارک «الف» در این مورد تجربهٔ مشترکی دارد، در نوبت ۴ به صورت موقت از نقش شنوندهٔ روایت خارج می‌شود و سعی می‌کند با ایجاد یک توالی جانبی توضیحاتی دربارهٔ شناخت خود از فضای روایت مطرح نماید؛ از این رو، به موقعیت جغرافیایی فضای روایت اشاره می‌کند. مشارک «الف» در نوبت ۵ توضیح مشارک «ب» را تأیید می‌کند، اما باز هم تلاش می‌کند کلام خود را ادامه دهد. مشارک «ب» در نوبت ۶ فضای داستان (روستای نژو) را با جزئیات بیشتری توضیح می‌دهد و تلویحاً سعی می‌کند با توجه به دانش خود از فضای روایت، سخن مشارک «الف» را نقض کند. در نوبت ۷ مشارک «الف» موضوع داستان را ادامه می‌دهد و به طور خاص از یکی از اهالی روستا یاد می‌کند. در نوبت ۸ مشارک «ب» نام همان شخص را با لقب محلی xala (دایی) تکرار می‌کند و بدین ترتیب میزان اطلاعات خود از جزئیات داستان مشارک «الف» را به وی یادآوری می‌کند. در نوبت ۹ مشارک «الف» بالأخره در توالی جانبی - که مشارک «ب» از نوبت ۴ آغاز کرده بود - درگیر می‌شود و از وی می‌خواهد پیشینهٔ آشنایی خود با فضای روایت را بیان کند. در نوبت ۱۰ مشارک «ب» دلیل آشنایی خود با فضای روایت را توضیح می‌دهد. همین توضیح اضافی باعث می‌شود که مشارک «الف» در نوبت ۱۱ بدون اشاره به ویژگی‌های شخصیتی دایی رحیم داستان را ادامه دهد، چرا که مطمئن شده که مشارک «ب» به اندازهٔ کافی از آن آگاهی دارد. با وجود این، مشارک «ب» خود در نوبت ۱۲ به ویژگی شخصیتی دایی رحیم (شوخ‌طبعی) اشاره می‌کند و با این کار به گوینده اطلاع می‌دهد که اطمینان دارد که داستان به یک ماجرای طنزآمیز ختم خواهد شد. این پیش‌بینی در نوبت ۱۳ محقق می‌شود و مشارک «الف» در این نوبت با نقل نتیجهٔ داستان توالی جانبی را پایان می‌دهد.

## ۷. نتیجه‌گیری

استخراج و ارائهٔ اطلاعات شخصی مهم‌ترین عامل ایجاد روابط تعاملی در میان افراد ناآشناست. در این مقاله سعی شد با تکیه بر داده‌های واقعی، آشکال این روابط توصیف شوند. در این پژوهش نشان دادیم که تبادل اطلاعات در نخستین مواجهات افراد ناآشنا، عموماً به شکل مستقیم و از خلال یک توالی خطی صورت می‌گیرد. این توالی با ترغیب مخاطب به ارائهٔ اطلاعات فردی-گروهی آغاز می‌شود. به‌طور معمول، این توالی در مراحل اولیه به زنجیرهٔ پرسش-پاسخ محدود می‌شود؛ اما در مراحل پیشرفته، به کمک چرخشی در نظام نوبت‌گیری‌ها تغییر پیدا می‌کند. این چرخش، اصطلاحاً به توضیح خودگرا معروف است. در توضیح خودگرا، جایگاه نقشی مشارک پرسشگر و مشارک پاسخ‌دهنده جابه‌جا می‌شود و این جابجایی نقشی رابطه‌ای متقارن ایجاد می‌کند که در طی آن، طرفین به صورت داوطلبانه و بدون نیاز به جفت‌های پرسش-پاسخ به مکالمه می‌پردازند. از طرف دیگر، تبادل اطلاعات همیشه به صورت پرسش و پاسخ صورت نمی‌گیرد، بلکه در مواردی، ممکن است به واسطهٔ نوبت‌های فرعی مرتبط با موضوع انجام شود. این اتفاق، غالباً با استفاده از یک توالی جانبی - که طی آن، مشارکین، دانش پیش‌زمینه‌ای خود دربارهٔ یک موضوع را به نمایش می‌گذارند -

<sup>۱</sup> filler

تحقق می‌پذیرد. این دانش پیش‌زمینه‌ای می‌تواند دربردارنده اطلاعاتی مشترک راجع به فردیت، جایگاه اجتماعی و تجربه‌های مشارکین باشد و نهایتاً، ممکن است منجر به ایجاد رابطه دوستی در بین مشارکین مکالمه شود.

### علایم به کار رفته در ثبت مکالمات

□	همپوشانی (تداخل) در نوبت‌های مشارکین
@	خنده (هر بازدم یک @)
...	سکوت کمتر از ۳ ثانیه
{SILENCE}	سکوت بیشتر از ۳ ثانیه
( )	رمزگردانی در طول مکالمه (تغییر موقت زبان و یا لهجه)

### کتابنامه

چگینی، ابراهیم (۱۳۸۴). فرهنگ توصیفی آموزش زبان و زبان‌شناسی کاربردی. تهران: رهنما.

سلمانیان، بهار؛ محمد ابراهیمی، زینب؛ روشن، بلقیس و بابامحمودی، فرهنگ (۱۳۹۴). خودمحموری گفتار پژوهشگران و نقش جنسیت در مکالمه پزشکی و بیمار. *جستارهای زبانی*، (ش ۲۳)، ۱۲۹-۱۵۰.

شریفی، شهلا؛ پهلوان‌نژاد، محمدرضا و آزادمنش، مهناز (۱۳۹۱). بررسی و مقایسه عوامل دخیل در معناداری و تأثیر پاره‌گفتارهای واکنشی در گفت‌وگوهای فارسی. *جستارهای زبانی*، (ش ۹)، ۸۵-۱۱۲.

موسوی، حمزه؛ عموزاده، محمد (۱۳۹۳). معرفی الگوی مراتب نمایه‌ای سیلورستاین و تحلیل مکالمه‌هایی از زبان لری و لکی براساس آن. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، (ش ۱۰)، ۷۷-۹۶.

- Clark, H. H. (1998). Communal lexicons. In K. Malmkjær & J. Williams (Eds.), *Context in Language Learning and Language Understanding* 63-87. Cambridge, Cambridge University Press,.
- Derlega, V. J. Winstead, B. A., & Greene, K. (2008). Self-disclosure and starting a close relationship. In S. Sprecher, A. Wenzel, & J. Harvey (Eds.), *The Handbook of Relationship Initiation* 153-174. Mahwah: Lawrence Erlbaum.
- Ignatius, E & Kokkonen, M. (2007). Factors contributing to verbal self-disclosure. *Nordic Psychology* 59(4), 362-391.
- Jefferson, G. (1972). Side sequences. In D. Sudnow(ed), *Studies in Social Interaction*, 294-338. New York: Free Press,.
- Kellermann, K. & Lim, T. (1989). Conversational acquaintance: The flexibility of conversational behaviors: In B. Dervin, L. Grossberg, B. O'Keefe, & E. Wartella (Eds.), *Rethinking Communication*. Vol. 2: Paradigm exemplars 172-192. London: Sage,.
- Korobov, N. (2011). Mate-preference talk in speed-dating conversations. *Research on Language and Social Interaction* 44, 186-209.
- Maynard, D., & Zimmerman, D. (1984). Topical talk, ritual and the social organization of relationships. *Social Psychology Quarterly* 47(4), 301-316.
- Sacks, H. (1995). *Lecturs on Conversation*. V1&2. Oxford: Blackwell.

- 
- Schegloff, E. A. (2007). *Sequence Organization in Interaction: A Primer in Conversation Analysis*. V1. Cambridge: Cambridge University Press.
- Schneider, K. P. (1988). *Small Talk: Analysing Phatic Discourse*. Marburg : Hitzeroth.
- Stokoe, E. (2010). Have you been married, or ...? eliciting and accounting for relationship histories in speed dating encounters. *Research on Langue and Social Interaction* 43(3), 260-282.
- Svennevig, J. (1999). *Getting Acquainted in Conversation: A Study of Initial Interactions*. Amsterdam, Netherlands: John Benjamins.

